

با درود!

سابقاً از من کتابها و مقالاتی در سایت روشن درج و منتشر گردیده است و لذا بعضی از خوانندگان این سایت ممکن است با من آشنائی داشته باشند. دوست داشتم برای ایشان مطلب نسبتاً کوتاه ذیل را درباره زندگی مربوطه ام بازگو کنم، از اینجهت که چند ماهی است که دچار نوعی بیماری شده ام که فکر میکنم شاید در نتیجه آن فوت کنم. امیدوارم با خواندن این مطلب موافق باشند :

من هشت جلد کتاب با اسم مستعار حمید پویا به زبان فارسی با مضامینی تئوریک در زمینه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، ستم بر حیوانات و غیره نوشته ام که نسخه های با آخرین ویرایش و تصحیح آنها از جمله در وبسایت سازمان اتحاد فدائیان کمونیست معرفی شده و در کتابفروشی فروغ در شهر کلن در آلمان بصورت چاپی منتشر گردیده است. این کتابها تحت این عناوین نوشته شده اند: «مقدمه ای بر تئوری اقتصاد سوسیالیستی»؛ «درباره چند مقوله اقتصادی»؛ «پژوهشی درباره پیش شرط مادی و اجتماعی کشورهای کنونی جهان برای گذار به سوسیالیسم»؛ «درباره چند مسئله تئوریک»؛ «درپیرامون مسئله ستم بر حیوانات»؛ «ملاحظاتی درباره مسئله سوسیالیسم»؛ «مبانی روانشناسی عقیده و اخلاق»؛ و «یادداشت هایی درباره رابطه بین سرمایه داری پیشرفته و عقب مانده».

محتویات عموم این کتابها بیشتر یا کمتر مبانی نوینی را مطرح میکنند و مطالب نوآورانه ای را ارائه میدهند. چندان از این کتابها و بیشتر از همه کتاب «ملاحظاتی درباره مسئله سوسیالیسم» کمونیسم را در مفهوم راستین و تکامل یافته و در سطح عالی طرح مینماید؛ و انسانیت گرایی واقعی را به منصف ظهور میرساند.

حدود تعداد ۲۰ مقاله با همان اسم و به همان زبان و با مضامینی مشخص یا تئوریک در زمینه های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، ستم بر حیوانات و غیره برشته تحریر درآورده ام که بیشتر این مقاله ها سابقاً در چند نشریه چاپی مثلاً «جهان امروز» یا در سایت های «سازمان اتحاد فدائیان کمونیست»، «افق روشن»، «ایران تریبون» و غیره درج گردیده اند. در بسیاری از این مقالات تا حدودی بیشتر یا کمتر ایده های نوآورانه متفاوت از ایده های متداول مطرح و ارائه میشوند.

من از زمانی که (از سن ۵۴ سالگی) به ستمکشی و زجرکشی حیوانات واقعاً توجه نمودم (حالا ۷۶ سال دارم)، بمنظور اینکه تا حداکثر امکان پذیر در کار ستمگری بر حیوانات شرکت و همکاری نداشته باشم شیوه زیست گیاهخواری کامل (وگان) را برای خودم برگزیده و درپیش گرفتم و درعین حال این شیوه زیست را شکلی از اعتراض و مبارزه علیه این ستمگری میدانستم و میدانم. کتاب فوق الذکر «درپیرامون مسئله ستم بر حیوانات» و دو مقاله از پنج مقاله مندرج در کتاب مذکور «درباره چند مسئله تئوریک» را تماماً به بیان امر ستمگری بر حیوانات و بعضی امور مربوطه تخصیص داده ام و در بیشتر سایر کتابهای مذکور نیز لاقلاً اشاره کوتاهی به این امر شده است؛ بعلاوه جهت توجه و آگاهی دادن به فارسی زبانان در مورد ظلم و ستم بر حیوانات دو کتاب درباره این موضوع را از آلمانی به فارسی ترجمه و با نام غیر مستعار خودم (محمد مسعودپور) در ایران منتشر کردم. مدتی طولانی با چند انجمن حمایت از حیوانات یا اعضاء آنها نوعی رابطه مکاتبه ای داشته و در موارد لازم به آنها برخورد و انتقاد و درباره فعالیت های آنها برایشان اظهار نظر میکردم و پیشنهاد میدادم. سالهای طولانی بطور منظم و بطور قابل توجهی به چند انجمن برای امور مختلف کمک مالی میکردم. بمدت حدود ۲۲ سال بطور مرتب به بعضی از کبوترهای شهر بن به مقدار نسبتاً زیادی دان میدادم درحالیکه دادن دادن به کبوترها ممنوع بود و این کار برای من همچنین با توجه به مریض حالی ام بسیار سخت بود. گذشته از اینها سالهایی طولانی از مشاهده ستمکشی و زجرکشی حیوانات پیوسته بطور ویژه ای عمیقاً احساس اندوه و درد میکردم. بطور خلاصه به تصور خودم سعی میکردم تا اینکه مبارزه علیه اشکال مختلف ستم بر حیوانات و جهت پایان دادن به این ستم ها را بصورت یکی از اهداف اساسی کمونیسم مطرح نمایم تا بدینگونه امر رهایی حیوانات همچنین از طریق این تاریخاً مترقی ترین جهان بینی و جنبش

اجتماعی عصر حاضر، این جهان بینی و جنبش انقلابی نویدبخش رهائی نهایی طبقه کارگر و کل بشریت ، و بمثابه جزء طبیعی و لاینفک آن تحقق پیدا کند.

در حدود سال ۱۳۶۰ در ایران کتابی تحت عنوان « ماهیت طبقاتی جناح بندیهای حکومت جمهوری اسلامی» و حدود ۳ سال قبل از آن کتاب دیگری در پاریس با عنوان « بررسی مشی چریکی» و البته هردو به زبان فارسی و هردو با مضامینی مشخص و تئوریک و با اسامی مستعار دیگری نوشتم که اولی به تعدادی محدود و دومی با تیراژ نسبتاً زیادی در ایران منتشر شدند. هردو کتاب حاوی نکاتی شایان توجه بودند. فراموش کردم بنویسم که طی چند سال حدود ۶- ۱۹۷۴ ، که در پاریس سکونت داشتیم ، یک اثر نظامی بنام « درباره جنگ» نوشته کلوزویتز را از انگلیسی به فارسی ترجمه کردم. همچنین در تهران در سالهای حدود ۶۶- ۱۳۶۵ مطالعاتی تئوریک در زمینه اعصاب در ارتباط با آزمایش های معروف پاولوف انجام دادم. هم دستنویس ترجمه فارسی اثر نظامی مزبور و هم دستنویس شامل نتیجه گیری اصلی ام از این مطالعات مفقود شدند یعنی به گمان من به سرقت برده شدند. در سال ۱۳۵۸ در ایران مطلب نسبتاً مفصل جالبی با یک چنین موضوعی « عصر انقلابات پرولتری و . . .» - که عنوان درست آن یادم نیست- نوشتم ولی دستنویس مربوطه متأسفانه بنحوی مفقود شد و یک کپی از آن برای من نماند. البته بعضی کارهای جزئی و پراکنده دیگر نیز انجام داده ام.

اخیراً مدتی است که میخواهم درباره « لغو حکم اعدام» مطلبی بنویسم و قصد دارم مباحث « ماتریالیسم و ایده آلیسم» و «دیالکتیک و متافیزیک» را مورد بازنگری قرار دهم، ولی فکر میکنم شاید بعلت بیماری یا فوت قادر به انجام این کارها نشوم و در نتیجه نظراتم در این زمینه ها نامعلوم بماند.

در اینجا نا مناسب نیست که به اطلاع برسانم که من پیش از ابتلاء به بیماری جدید مدت چند یا چندین سال بود که متوجه شده بودم که در داخل آپارتمان محل سکونت ام در بن را کسانی را که نمیدانم چه کسانی بودند بطریقی بطور مخفیانه نگاه میکنند و می بینند و مرا استراق سمع میکنند و بدینگونه بر اعمال من نظاره میکنند. این امر عموماً باعث شده بود که من کار خودم را نتوانم انجام دهم یعنی بخوانم، تحقیق کنم و بنویسم (البته در حد حال و حوصله و توان کاری نسبتاً کم و حافظه ضعیف و عدم تمرکز فکری کافی ام). با این وجود در اوائل آن کاری انجام میدادم ولی پس از مدتی دیگر انجام کار تحت این شرایط برایم کاملاً غیرقابل تحمل و ناپذیرفتنی شد و آن را عمیقاً زیر بار زورفتن و خفت آور و نادرست احساس میکردم و می پنداشتم. و این طبعاً به درستی چنین بود. بدینگونه و به این نحو بمدت چند سال مرا از انجام کارم بازداشتند. یک نکته لازم الذکر این است که در ارتباط با این جریان هیچ کس هیچ کمکی به من نکرد.

در آخر اینکه از خواننده احتراماً خواستار میشود که هر کتاب یا مقاله از نوشته های من را میخواهد بخواند ، فقط نسخه دارای آخرین ویرایش و با آخرین تصحیحات را مطالعه کند.

موفق باشید

حمید پویا

۱۳ فوریه ۲۰۱۹